

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سلسله مباحث امامت و مہدویت (۱۳)

باورداشت مہدویت

حضرت آیت اللہ العظمیٰ صافی گلپایگانی رحمۃ اللہ علیہ

سرشناسه : صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۲۹۸-
 عنوان و نام پدیدآور : باورداشت مهدویت / صافی گلپایگانی.
 مشخصات نشر : قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله‌العالی، ۱۳۹۲
 وضعیت ویراست : [ویراست ۲]
 مشخصات ظاهری : ۷۲ ص.
 فروست : سلسله مباحث امامت و مهدویت؛ ۱۳
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۵-۷۵-۹-۱۸۰۰۰ریال
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : ویراست قبلی: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۰.
 یادداشت : کتابنامه؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 موضوع : محمد بن حسن علیه السلام، امام دوازدهم، ۲۵۵ق.
 موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق-
 شناسه افزوده : مهدویت
 رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۲ ب۲ ص/۲۲۴/۴ BP
 رده‌بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲
 شماره کتابشناسی : ۳۲۴۸۷۷۸

دفتر تنظیم و نشر آثار

حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی علیه السلام

- نام کتاب: باورداشت مهدویت
- مؤلف: حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الوارف
- چاپ اول: شوال المکرم ۱۴۳۴ / تابستان ۱۳۹۲
- شمارگان: ۳۰۰۰
- بها: ۱۸۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۵-۷۵-۹
- سایت الکترونیک: www.saafi.net
- پست الکترونیک: saafi@saafi.net
- آدرس پستی: قم / انقلاب ۶ / پلاک ۱۸۱
- تلفن: ۳۷۷۲۳۳۸۰ (-۲۵)

فهرست مطالب

- باورداشت مهدویت..... ۵
- الهام گیری از باورداشت مهدویت ۱۸
- اساس عقیده به مهدویت..... ۲۲
- کتاب‌های مستقل درباره مهدویت..... ۲۴
- اسامی مشایخ، اساتید فن و صاحبان کتاب‌های جامع حدیث..... ۲۸
- اسامی برخی از مشاهیر از تابعین..... ۲۹
- اسامی روایت کنندگان درباره حضرت مهدی عجل الله فرجه از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله..... ۲۹
- چهل حدیث پیرامون باورداشت مهدویت ۳۱
- کتاب‌نامه ۶۵
- آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الوارف در یک نگاه..... ۶۶

باورداشت مهدویت



بدون شک «عقیده به مهدویت» و اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام به عنوان منجی عالم بشریت، باوری صرفاً اسلامی است که بر اساس کتاب و سنت پدید آمده و همگی مسلمانان پیشین و پسین، بر آن اتفاق نظر دارند و حتی گروهی از بزرگان و صاحب نظران به متواتر بودن^۱ احادیث وارده در این باب حکم نموده‌اند.

این باورداشت، به عنوان اندیشه‌ای اسلامی، بر پایه قوی‌ترین برهان‌های نقلی و عقلی استوار است و بررسی تاریخ و شواهد بسیار آن، بهترین تأیید بر صحت متانت آن به شمار می‌رود و هیچ‌یک از مسلمانان - چه از شیعیان و چه از اهل سنت - به انکار یا تشکیک در آن نپرداخته است، مگر برخی از افراد تازه به دوران رسیده که تحت تأثیر تبلیغات غربیان قرار گرفته و در دام‌های استعمار گرفتار

۱. متواتر به معنای «پی‌پی»؛ و در اصطلاح حدیث شناسی، به احادیث متعدده‌ای گفته می‌شود که روایت‌کنندگان آن در هر طبقه، به گونه‌ای زیاد باشند که از مجموع روایات آنها «علم عادی» به صدور آن کلام از معصوم علیه السلام حاصل آید. به عبارت دیگر: اختلاف راویان و تعدد آنها در نقل یک خبر از معصوم علیه السلام به حدی باشد که توافق آنان بر «کذب» و همدستی آنان در «جعل خبر» ممکن نباشد.

آمده و فرهنگ را جز با انکار الهام و روایات قطعیه و یا تعریف و تأویل آن در چهارچوب مقاصد منکران دیانت و مادی‌گرایان تفسیر و تحلیل نمی‌کنند.

این کژاندیشان بدین‌وسیله کوشیدند تا دری را بگشایند که اگر - خدای نخواست - گشوده گشت، دیگر راهی برای اعتماد بر سنت و استناد به آن و اطمینان به ظاهر کتاب و سنت باقی نمی‌ماند و آیین شریف اسلام و دعوت پیامبر ﷺ بر اساس خواسته بدعت‌گذاران و هواپرستان، دست‌خوش تغییر و تحریف قرار می‌گیرد.

به‌راستی اگر چنین روایاتی که بزرگان علم حدیث و کارآزمودگان و نام‌آوران این رشته در گذشته و حال به تواتر و قطعی بودن آنها تصریح کرده‌اند، بتواند مورد انکار و تردید قرار گیرد، پس وضع و حال دیگر روایاتی که «خبر واحد»^۱ شمرده می‌شوند، یا حداقل در این درجه از اعتبار نیستند، چه خواهد بود؟

گروهی از اندیشمندان اسلامی نسبت به این‌گونه منحرفان از کتاب و سنت، که با جرئت و جسارت نسبت به ساحت قدس خداوند و پیامبر گرامی اش ﷺ، به ایجاد شک و تردید و تحریف در اصل مسلم

۱. «خبر واحد» خبری است که نقل‌کننده آن، یک یا چند «راوی» باشد، تا آنجا که به حد «تواتر» نرسیده باشد و در اصطلاح حدیث‌شناسی، تقسیم‌بندی‌های مختلف و اقسام گوناگونی دارد. مشهورترین اقسام آن در رابطه با «راوی» عبارتند از: «صحیح، حسن، مؤثق و ضعیف».

مهدویت پرداخته‌اند، اعلام‌خطر نموده و کتاب‌ها و مقالاتی را در ردّ و ابطال نظریات آنان نگاشته‌اند.

آنچه مسلم است اینکه: در پس پرده این توطئه، جز دست‌های پلید کسانی که در صدد سست کردن اعتقادات مسلمانان و خدشه‌دار کردن متون اسلامی هستند، دستی را نمی‌توان دید. در گذشته همین التزام و اعتقاد و پایبندی مردم به کتاب و سنت پاک پیامبر ﷺ بود، که دشمنان و استعمارگران را از نفوذ در کشورهای اسلامی باز می‌داشت و راه سلطه بر این بلاد را بر روی آنان می‌بست و اکنون نیز به خوبی پیداست که چیزی جز سست شدن همین مبانی اعتقادی و کم شدن پایبندی‌ها به قرآن مجید و روایات شریفه نیست، که راه نفوذ و سلطه را بر بیگانگان گشوده است! خداوند ما را از فتنه‌های گمراهان و هواپرستان و مزدوران استعمار در امان بدارد.

قابل ذکر اینکه: در تضعیف «باور مهدویت» و احادیث مربوط به آن، اثری از پیشگامان اهل سنت نیست و در بین صحابه قرن اول هجری و تابعین نیز ذکری از آن به میان نیامده است. و خنده‌آور است که این بی‌خبران و غرب‌باوران — که به شدت از شناخت حقایق اسلامی و فهم مصالح مسلمین دور هستند — گاهی دایه مهربان‌تر از مادر شده، و این عقیده را سبب اختلاف و درگیری بین

مسلمانان و قیام علیه حکومت‌ها و موجب تبلیغات سیاسی دانسته‌اند و گاهی نیز به برخی اختلافاتی که بین پاره‌ای از احادیث این باب است، استناد کرده‌اند.^۱

و همه اینها، از عجیب و غریب‌ترین نوع استدلالاتی است که در ردّ سنت شریف نبوی ﷺ به آن تمسک شده است. از آن رو که:

اولاً: بر وقوع ذکر این عقیده بین صحابه و تابعین صدر اوّل اسلام، و بر اینکه خود پیامبر ﷺ اولین پایگاه برای نشر «عقیده به مهدویت» در بین مسلمانان بوده‌اند، چه دلیلی قوی‌تر و محکم‌تر از وجود خود این احادیث متواتره، در اصلی‌ترین و معتبرترین کتاب‌های اهل سنت است؟! و چه برهانی روشن‌تر از اجماع علمای مسلمین، و اینکه آنان هیچ‌کس از مدعیان مهدویت را با استناد به «عدم صحّت ظهور مهدی ﷺ» ردّ نکرده‌اند؛ بلکه در ردّ ادّعای چنان افرادی، به «عدم وجود صفات و نشانه‌های خاص مهدی ﷺ» در آنها استناد کرده‌اند، چنان‌که حکایت «محمّد بن عجلان» با «جعفر بن سلیمان» و آنچه

۱. از جمله این اختلافات، اختلاف بر سر نام «پدر» بزرگوار حضرت مهدی ﷺ است که در پاره‌ای از روایات اهل سنت، عبارت «اسم ایبه اسم ابی» به حدیث مشهور پیامبر اکرم ﷺ: «اسمه اسمی و کنیته کنیتی» افزوده شده است. به این معنا که: «نام مهدی همانام من، و کنیه او همانند کنیه من، و اسم پدر او مانند اسم پدر من است» و یا اختلاف بر سر زمان تولد و مدت عمر و علامات قبل از ظهور، که همگی این موارد در خود مدارک اهل سنت قابل بررسی بوده و نظر مشهور شیعه نیز برطبق احادیث وارد در همان کتاب‌ها قابل اثبات است.

فقیهان و اشراف اهل مدینه درباره آنان گفته‌اند، شاهی آشکار در این زمینه به شمار می‌رود.^۱

پس اگر این همه احادیث، با توجه به فراوانی و تواتری که دارند و با عنایت به اجماع و اتفاقی که از ناحیه علمای اسلامی بر مضمون این احادیث صورت گرفته است، نتواند دلیل بر صحّت و استواری «عقیده به مهدویت» باشد، پس به کدامین دلیل می‌توان استناد کرد؟ و درستی انتساب کدامین عقیده اسلامی به صحابه و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را می‌توان اثبات نمود؟

ثانیاً: شاید هرگز هیچ عقیده و یا اصلی را نتوان یافت که بر سر آن اختلاف و درگیری و نزاع صورت نگرفته باشد. حتی می‌توان گفت که: نزاع‌ها و درگیری‌ها پیرامون مسائل خدانشناسی و نبوت پیامبران الهی صلی الله علیه و آله نیز، بیش از مسئله «مهدویت» به وقوع پیوسته است، چنان‌که بین مکتب اشاعره و غیر آنان، و بین پیروان مذاهب اهل سنت (شافعی،

۱. جریان محمد بن عجلان در کتاب **البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان** نقل شده است. محمد بن عجلان یکی از فقه‌های مدینه بود که در زمان حکومت بنی‌عباس با مردی به نام محمد بن عبدالله محض که از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام بود، بیعت کرد. منصور، خلیفه عباسی که بسیاری از سادات حسنی را به جرم مخالفت با دستگاه حکومت کشته بود، محمد بن عجلان را احضار کرد و بعد از تحقیق درباره بیعت او با محمد بن عبدالله، دستور داد که دست او را ببرند، و گفت: این دستی که با دشمن من بیعت کرده است، باید بریده شود. فقه‌های مدینه وساطت کردند و گفتند: این مرد تقصیری ندارد؛ چون فقیه است و برطبق روایات خیال کرده که محمد بن عبدالله بن محض، همان «مهدی امت» است؛ از این رو با او بیعت کرده و قصد دشمنی با تو را نداشته است. متقی هندی، البرهان، ص ۱۷۴.

حنفی، حنبلی، مالکی) و غیر آنان، درگیری‌ها؛ بلکه جنگ‌های خونین بسیار اتفاق افتاده است.

بلکه می‌شود گفت: بر سر مفاهیمی همچون «عدالت» و «امنیت» و سایر مفاهیمی که همه انسان‌ها بر لزوم آن اتفاق نظر دارند، و بر سر تحقق آنها و یا دفع کسانی که آنها را وسیله‌ای برای مقاصد سیاسی خویش قرار می‌دادند، جنگ‌های خانمان‌برانداز و معرکه‌های خونینی درگرفته است و چه بسا که تعداد قربانیان بشریت، که به اسم «اقامه حق» و «رعایت عدالت و برابری» و «حمایت از آزادی انسان و حقوق او» به خاک و خون غلطیده‌اند، بیشتر از تعداد قربانیان هر موضوع و عنوان دیگری باشد.

نتیجه اینکه: پوشیده‌شدن حق به باطل، و عرضه باطل به جای حق، اگرچه از طرف اهل باطل و منحرفان، بسیار صورت می‌گیرد؛ لکن به حق ضرری نمی‌رساند و خدشه‌ای وارد نمی‌کند، چنان‌که خداوند بزرگ می‌فرماید:

﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ﴾^۱

«بلکه ما حق را بر باطل می‌افکنیم تا آن را درهم

شکافد و باطل را نابود گرداند، آن زمان باطل از بین‌رونده و باطل‌شدنی است، و وای بر شما از آنچه درباره خداوند توصیف می‌کنید».

علاوه بر اینکه باید توجه داشت: فریب‌خوردن عوام و قبول ادعای دروغین دجال‌گونه‌های مدعی مهدویت^۱ توسط آنان، در بیشتر موارد به‌خاطر عدم آشنایی آنان به نشانه‌های حضرت مهدی علیه السلام و نسب شریف ایشان و ویژگی‌های خاصی است که برای ایشان در احادیث گوناگون^۲ مورد تصریح قرار گرفته است، وگرنه در این باب، جایی برای گمراهی و گمراه‌ساختن دیگران وجود ندارد. این وظیفه علما و اندیشمندان است که «عقیده به مهدویت» را تبیین کنند و هدف‌های آن را به مردم بشناسانند و ویژگی‌ها و نشانه‌هایی را که به‌وسیله آنها «حضرت مهدی موعود علیه السلام» از دغل‌پیشگان مدعی «مقام مهدویت» بازشناخته می‌شود، برای توده مسلمانان برشمارند و توضیح دهند.

۱. تعداد کسانی که در طی تاریخ اسلام، ادعای مهدویت داشته و به انگیزه‌های مختلف، به دروغ خود را «قائم آل محمد صلی الله علیه و آله» معرفی کرده‌اند، یا برخی از مریدان آنها، این عنوان را به دروغ بر ایشان تبلیغ و ترویج کرده‌اند، بیش از پنجاه نفر می‌باشد.
۲. برای شناختن این خصوصیات، از حیث اصل‌ونسب و سیمای ظاهری و کیفیت اخلاق و رفتار، و از حیث علامات و معجزات و نحوه ظهور و حکومت آن بزرگوار، می‌توان به کتاب‌هایی که در این باب نوشته شده؛ همچون *مهدی موعود، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام* و ... مراجعه نمود.

ثالثاً: یکی از فرق‌هایی که بین احادیث متواتر و غیرمتواتر^۱ وجود دارد، این است که: در «متواتر لفظی تفصیلی»^۲ یقین و باور قطعی نسبت به صدور آن حدیث معین از ناحیه معصومین علیهم‌السلام - به عین همان کلمات و الفاظ موجود در متن حدیث - حاصل می‌شود و در چنین حدیثی ممکن نیست اختلاف و تعارض ایجاد شود، مگر توسط حدیث متواتر دیگری که با همین خصوصیات، مفاد، معنایی خلاف^۳ حدیث اوّل داشته باشد؛ که در این صورت باید به وسیله ایجاد موافقت بین دو معنا و جمع بین دو حدیث به وسیله حمل عام بر خاص (تخصیص عام) و حمل مطلق بر مقید (تقیید مطلق) و یا حمل ظاهر بر اظهر (تقدیم اظهر) و مانند اینها، تنافی و اختلاف ظاهری و ابتدایی بین دو روایات را حل کرد.

اگر چنین جمعی ممکن نبود، ظاهر هر دو روایت از اعتبار ساقط گردیده و هیچ‌کدام صلاحیت برای استناد حکمی به آن را نخواهد داشت.

۱. غیرمتواتر، اعمّ از خبر یک یا چند راوی، و اعمّ از اینکه قرآینی بر صحت و صدور آن از معصوم علیه‌السلام وجود داشته یا نداشته باشد، تعبیری دیگر از همان «خبر واحد» است.
۲. احادیث بسیاری با اسناد گوناگون و به وسیله روایان مختلف، از معصومین علیهم‌السلام نقل شده است؛ اما همگی آنها از حیث مضمون و لفظ کاملاً یکسان بوده و در تعبیر و کلمات، هیچ اختلافی باهم ندارند؛ چنان‌که همه این روایان، اتفاق دارند بر اینکه: از پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شنیدم که فرمود: «انّی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی».
۳. این مخالفت بین دو حدیث متواتر، به گونه‌ای نیست که باهم تضادّ و تناقضی داشته باشند؛ بلکه یکی از آن دو به عنوان شرط یا قید یا خصوصیتی زاید بر دیگری، قابل جمع با آن می‌باشد.

اما در «متواتر اجمالی»^۱، اختلاف و تعارضی که در عبارات و متون احادیث هست، مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ بلکه به آن روایتی که از همه روایت‌های آن مجموعه، اخص است و شمول کمتری دارد، اخذ می‌شود. اما در «متواتر معنوی»^۲، به قدر مشترک همه احادیث و مضمونی که در همگی آنها تکرار شده و مورد اتفاق کل آن مجموعه است، اخذ می‌شود. بنابراین، اختلاف داشتن متن و مضمون احادیث، زیانی به متواتر بودن آنها نمی‌زند؛ بلکه در احادیث غیرمتواتر نیز، این اختلاف

۱. احادیث متعدده‌ای که اگرچه در الفاظ و تعبیرشان اختلافاتی وجود دارد؛ اما به‌خاطر کثرت راویان، به‌گونه‌ای هستند که می‌توان علم اجمالی پیدا کرد به اینکه حداقل یکی از آنها با همین الفاظ و کلمات وارد در حدیث از معصوم علیه السلام صادر گردیده است. مثلاً در بعضی از این‌گونه روایات آمده است که: خبری که راوی مؤمن آن را نقل کرده باشد، حجت است و در بعضی دیگر آمده است: خبری که راوی آن راستگو باشد، حجت است. در بعضی دیگر آمده است: خبری که روایت‌کننده آن، عادل باشد، حجت است.

در اینجا علم پیدا می‌کنیم که حداقل یکی از این روایت‌ها، صحیح و صادرشده از معصوم است. حال در این میان، روایتی را که خاص‌تر از بقیه روایات است، و شمول کمتری دارد، و به‌عبارت‌دیگر: بقیه روایات هم آن را به نوعی تأیید می‌کنند، اختیار کرده و به مضمونش عمل می‌نماییم. در مثال مذکور، آخرین دسته این روایات؛ یعنی حجت بودن «خبر عادل» است؛ زیرا اگر راوی عادل باشد، حتماً مؤمن و راستگو هم هست، و دو دسته قبلی آن را شامل می‌شوند.

۲. مجموعه‌ای از احادیث که همگی بر معنایی خاص یا حکمی معین «دلالت مشترک» دارند، اگرچه در الفاظ و تعبیر با یکدیگر اختلاف دارند، به شکلی که در بین این مجموعه، هیچ حدیثی را نتوان یافت که به‌طور قطع و یقین، مضمون و متن و الفاظش، همگی از ناحیه معصوم علیه السلام صادر شده است. مثل روایت‌هایی که درباره کیفیت جنگ‌های امیرالمؤمنین علیه السلام با الفاظ و تعبیر و مضامین گوناگون وارد شده‌اند، ولی همگی آنها در اثبات شجاعت بی‌نظیر برای مولا علیه السلام متفق هستند و مثل حکایات فراوان و نقل‌های متفاوتی که درباره بخشش و کرم حاتم طایی در کتاب‌های مختلف وجود دارد که از همگی آنها به آنچه که قدم‌مشترک و مضمون عام بین همه آنهاست، یقین و علم قطعی پیدا می‌شود و آن، وجود حاتم در زمان‌های گذشته و دارا بودن جود و بخشش بسیار توسط او می‌باشد.

متن، ضروری به صحّت آن «حدیث صحیحی» که بین آنهاست، وارد نمی‌کند؛ زیرا در این صورت هم روایت صحیح‌تر، و روایتی که به خاطر مطابقت مضمون آن با کتاب یا سنّت قطعی یا به خاطر قوی بودن متن حدیث یا به خاطر تأیید مضمون آن توسط شواهد و قراینی خاصّ، نسبت به حدیث دیگر متعارض با آن، رجحان و برتری دارد، مورد عمل قرار می‌گیرد.

این امور را، جز کسانی که در علم حدیث‌شناسی دارای تجربه و مهارت کافی باشند، بازنمی‌شناسند، و اگر جز این بود و به خاطر کمترین تعارض و اختلافی باید همه احادیث متعارض کنار گذاشته می‌شد، لازم بود که کلیه روایات یا حداقل اغلب آنها، از درجه اعتبار ساقط باشند، که نتیجه‌اش تغییر چهره دین اسلام در اکثر احکام شرعی و دستورات فقهی بود؛ زیرا کمتر موضوعی در عقاید و احکام و تاریخ و تفسیر قرآن کریم و مانند آنها پیدا می‌شد، که احادیث واردشده در آن موضوع، بدون اختلاف و تعارض باشند؛ اگرچه تعارضی «ناپایدار» به «عموم و خصوص» یا «اطلاق و تقیید».

بنابراین، در از بین بردن این تعارضات ابتدایی که در گفتگوهای عادی مردم نیز وجود دارد و در تشخیص حدیث درست از نادرست و حدیث قوی از ضعیف و روایت معتبر از غیرمعتبر، تنها راه این است

که به قواعد و مقرراتی که در نزد عُقلا و اندیشمندان معتبر است، استناد گردد و به خبرگان و اشخاص صلاحیت‌دار رجوع شود و بدین‌وسیله بعضی از احادیث را به بعضی دیگر بازگردانده و در صورت امکان جمع بین روایات و عمل به روایتی که از نظر سندی یا مضمونی قوّت و متانت بیشتر دارد، یا با قرآن کریم و سنت ثابت شده و مانند آن، موافق‌تر است، به این قاعده عمل شود و از ردّ کردن روایت و نادیده گرفتن آن خودداری گردد.

نتیجه کلام اینکه: اخبار و روایاتی که درباره «مهدویت» از معصومین علیهم‌السلام وارد شده، همگی باید در پرتو چنین قواعدی بحث و بررسی شود، چنان‌که احادیث متواتری داریم، مورد عمل قرار گیرد، و در اخبار غیرمتواتر نیز، بعضی به بعضی تقویت شده، و برخی دیگر را تفسیر کند، و اگر خبر ضعیفی هم هست، ملاحظه شواهد و قراین و بقیه موارد تأیید معتبر، در آن عمل شود.

از این رو می‌توان گفت: هیچ‌کسی احادیث وارده در باب «عقیده به مهدویت» را مردود و شبهه‌دار نمی‌پندارد، مگر ناآگاهان به صناعت حدیث‌شناسی، یا آگاهانی که تحت‌تأثیر تبلیغات باطل و فتنه‌های گمراهی‌آفرین استعمارگران، با سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به دشمنی برخاسته‌اند.

الهام‌گیری از باورداشت مهدویت

بر کسی پوشیده نیست که عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام، عقیده‌ای است که امید می‌آفریند و نشاط و تلاش ایجاد می‌کند، سستی و ناامیدی و کسالت را از بین می‌برد، حرکت‌های اصلاح‌گرانه و اسلام‌خواهانه را تشویق می‌کند، و جان‌های شورنده بر استکبار و استضعاف را تقویت می‌نماید.

[دین] اسلام هنوز به کمال اهداف خویش نرسیده و به مرحله تحقق همه آرمان‌هایی که برای جامه عمل پوشاندن به آنها آمده است، دست نیافته است. آینده از آن اسلام است و ناگزیر باید روزی فرا برسد که اسلام عزیز بر همه گیتی حکمروا باشد و همه ستمگری‌ها و حق‌کشی‌ها را از بین ببرد.

دنیا به زودی به دامن اسلام پناه خواهد آورد و نیاز دنیا به اسلام هر روز ظاهرتر از روز پیش به چشم می‌خورد. نور اسلام هر روز روشن‌تر، و پرتوی آن هر روز درخشان‌تر از قبل در همه دنیا احساس می‌شود.

شکست نظام‌های استکباری رایج و فروپاشی احزاب شرک‌آلود غیرانسانی، و عدم موفقیت برنامه‌های اقتصادی و سیاسی آنان در گسترش امنیت و آسایش مردمی، و ناکام‌ماندن این سیاست‌ها در تحقق اهداف انسانی، و از بین بردن جهل و ستم و کینه‌جویی‌ها و

نژادپرستی‌ها، روزبه‌روز دل‌ها را برای قبول اسلام آماده‌تر ساخته و مردم دنیا را برای پذیرش برنامه‌های الهی آن - که یگانه راه‌حل مشکلات بشریت است - مشتاق‌تر می‌سازد.

بشریت سرگردان امروز، هرگز گمشده خود را در نظام‌های شرقی و غربی نیافته و نخواهد یافت؛ بلکه این نظام‌ها و مکتب‌های غیرالهی، برای انسان امروز دست‌آوردی جز فروماندگی بیشتر و دشوارتر شدن کارها و مشکلات و فزونی فحشا، منکرات، فساد، گردن‌فرازی و استکبار نداشته است.

«اعتقاد به مهدویت» درک ما را نسبت به «کرامت انسان» بیدار می‌کند و این باور را که: «زمین، نه از آن ستم‌پیشگان و استعمارگران؛ بلکه از آن خداست، و فرجام کار برای تقوایپیشگان است و خداوند آخرین پیامبر و رسول گرامی‌اش حضرت محمد ﷺ را با هدایت و آیین حق برای غلبه بر تمامی ادیان تاریخ فرستاده است» تقویت می‌کند و دوستی حقیقت و عدالت و نیکوکاری را در دل‌های ما جای می‌دهد و ما را برای برتری‌بخشیدن به کلمه توحید و برپا داشتن حدود الهی و اجرای حکم و قانون اسلام، به نهضت و قیام‌وامی‌دارد و پیوند ما را با مبادی و اصول اسلامی پایدار می‌سازد و در عمل به مسئولیت‌هایی که بر عهده داریم، مورد بازخواست قرار می‌دهد.

خدای تبارک و تعالی - که راستگوترین است - در این باره می فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ
لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛^۱

«اوست که رسول گرامی اش را با هدایت و آیین حق
فرستاد تا آن را بر همه دین ها برتری بخشد، اگرچه
ناخوشایند مشرکان باشد».

و می فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا
اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ
الَّذِي أَرْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا
يَعْبُدُونََنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ
ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾؛^۲

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورند و عمل
شایسته انجام دهند، وعده داده است که آنان را در

۱. توبه، ۳۳.

۲. نور، ۵۵.

زمین به خلافت رساند، چنان که پیشینیان آنان را خلافت بخشید و دینی را که برایشان پسندیده است، اقتدار و تمکین دهد و ترس و هراس را به آرامش و امنیت تبدیل کند، تا تنها مرا بپرستند و چیزی را شریک و همتای من قرار ندهند، و هر کس بعد از آن، کفر ورزد از فاسقان به شمار آید».

و چنان که می فرماید:

﴿ وَ تَرِيدُونَ نَمُنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ
وَنَجْعَلُ لَهُمُ أَيْمَةً وَنَجْعَلُ لَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴾^۱؛

«ما می خواهیم بر مستضعفین زمین منت گذاریم و آنان را پیشوایان مردم و وارثان زمین قرار دهیم».

و باز چنان که می فرماید:

﴿ وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ
الْمَنْصُورُونَ * وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴾^۲؛

«کلمه و تقدیر ما از ابتدا درباره بندگان رسالت یافته

۱. قصص، ۵.

۲. صافات، ۱۷۱ - ۱۷۳.

خود - قبل از انگیزش آنان به پیامبری - بر این قرار گرفته که همانا آنان یاری‌شدگان‌اند و لشکریان ما پیروزمند و غلبه‌یافتگان‌اند.

اساس عقیده به مهدویت

اساس در عقیده به مهدویت و غلبه اسلام بر تمامی ادیان و منتهی‌شدن سیر طبیعی دنیا به حاکمیت اسلام و فرامین الهی، و یگانه‌شدن قوانین و نظام‌های موجود، و خلافت مؤمنان و شایستگان در زمین، و تبدیل ترس و هراس بشریت به امان و امنیت، و نابودی همه مظاهر استضعاف و استکبار، همگی در همان نیروی اولیه‌ای است که به طرزی شگفت، برای نابودی همه مظاهر شرک و استکبار و آزادسازی انسان از سلطه طواغیت و خارج‌ساختن بشریت از ذلت بندگی مردم به سوی عزت بندگی خداوند، در نهاد دعوت اسلام و باور توحیدی و کلمه اخلاص به ودیعت نهاده شده است.

اینکه می‌بینیم: دنیا به سوی جامعه‌ای یگانه و بین‌المللی و ادغام بعضی جوامع در بعضی دیگر و کاستن امتیازات سیاسی و نظامی و نژادی در حرکت است و دانش و پیشرفت صنعتی؛ یگانه‌شدن بشریت

و یکی شدن اقوام و ملیت‌های مختلف را میسر ساخته است و توسعه ارتباطات و پیوندهای بین ملت‌ها و قومیت‌های گوناگون، آن را مانند اهل شهری؛ بلکه محلّه‌ای واحد قرار داده است؛ همگی زمینه‌ساز آینده‌ای درخشان، بر اساس تعالیم اسلام و قرآن به شمار می‌رود؛ یعنی همان‌طور که بشریت جامعه‌های قبیله‌ای را پشت سر نهاده و در حرکت خویش، به تأسیس جوامع شهرنشین، بر اساس وحدت منطقه یا منافع سیاسی یا اقتصادی یا نژادی رسیده است که هر کدام خواستار غلبه و تسلط بر دیگری است، یقیناً در همین سیر روبه‌رشد، روزی از این حکومت‌های جزئی و وحدت‌های ناچیز رهایی یافته و به وحدتی بزرگ و حکومتی الهی و جهان‌گیر - که هیچ اختصاصی به فرد یا طایفه یا منطقه یا نژادی مخصوص نخواهد داشت - دست پیدا خواهد کرد که همانا حکومت اسلام و قرآن است، حکومتی که همگان را شامل می‌شود و همه در آن مساوی‌اند.

ما مسلمانان، همچنان که همه خبرهای غیبی خدا و پیامبر ﷺ را باور داریم و چنان‌که به فرشتگان خدا و کتاب‌ها و پیامبران او ایمان داریم، و آنچه را که از جزئیات و تفصیل معاد و بهشت و دوزخ و مانند آن - که جز به وسیله وحی و خبر دادن پیامبر ﷺ قابل اثبات نیست - به ما خبر داده‌اند، تصدیق می‌کنیم، همین‌طور به وعده خداوند نیز - که آن را در کتاب مجیدش

خطاب به ایمان‌آوردندگان و همه بشریت بیان فرموده و ما را زبان پیامبران و رسولانش نسبت به آن بشارت بخشیده، و پیامبر راستگو و امین ما آن را به آگاهی ما رسانده است - ایمان داریم و نسبت به تحقق این وعده الهی در وراثت صالحان و حکومت اسلام و قرآن در تمام جهان، تردیدی به خود راه نمی‌دهیم و از خدا می‌خواهیم که ما را بر این عقیده و بر تمام مبادی و اصول اسلامی و باورهای اصیل و صحیح، پایدار و ثابت قدم بدارد.

﴿ رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴾^۱؛

«پروردگارا! بعد از اینکه ما را هدایت فرمودی، ضلالت و گمراهی را به دل‌های ما راه مده و از جانب خویش رحمتی خاص به ما عنایت کن، که همانا تو بسیاربخشنده و عنایت‌کننده‌ای».

کتاب‌های مستقل درباره مهدویت

دانشمندان اسلامی همواره به روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله فرجه اهتمامی خاص داشته و در استخراج و تحقیق و رساندن آنها به جامعه و محکم کردن ایمان به آنها در قلوب مردم، سعی و تلاش فراوان

۱. آل عمران، ۸.

داشته‌اند. از این رو علاوه بر آوردن این روایات در کتب «سُنن» و «مسانید» و «جوامع» و غیره، کتاب‌های روایی مستقل و مجموعه‌های احادیث خاصّ در این زمینه فراوان نگاشته‌اند.

از آن میان، ما به افزون از سی کتاب که به شکل مستقلّ، به کوشش بزرگان اهل سنّت در این باره تألیف شده است، آگاهی یافتیم که به‌عنوان نمونه می‌توان از کتاب‌های *البیان فی اخبار صاحب الزمان* و *القول المختصر فی علامات المهدي المنتظر* علیه السلام و *عقد الدرر و العرف الوردی* و ... نام برد. این کتاب‌ها و نظایر آنها، کمترین چیزی را که اثبات می‌کنند، این است که «باورداشت مهدویت» باوری اسلامی است که اساس آن به کتاب و سنّت نبوی صلی الله علیه و آله برمی‌گردد و همه پیشینیان و صحابه و تابعین به آن اعتقاد داشته‌اند و اختصاصی به مذهبی خاصّ از مذاهب مختلف مسلمین ندارد.

اینکه خود این عقیده، یکی از دلایل قطعی بر پایان‌یافتن سلسله پیامبران الهی به وجود شریف پیامبر گرامی اسلام «حضرت محمد صلی الله علیه و آله» است و اینکه آیین او هرگز نسخ نخواهد گشت و اینکه حضرت مهدی علیه السلام — چنان‌که در کتاب «المهدی» از «سُنن ابی داود» آمده و احادیث صحیحه متعدّدی به آن تصریح دارند — دوازدهمین جانشین اوست، آخرین نفر از

جانشینانی است که رسول گرامی اسلام ﷺ امت خویش را به آمدن یکایک آنان بشارت بخشیده است و این بشارت همگی در احادیث گوناگونی که با سندهای فراوان در *مسند احمد بن حنبل* و *صحیح البخاری* و *صحیح مسلم* و غیر آنها نقل شده است، مورد اعتراف همگان است.

هر کس بخواهد به میزان قوت و اعتبار آنچه که مدرک و مستند مسلمانان در «عقیده به مهدویت» قرار گرفته، آگاهی یابد و کثرت روایات این باب، و فراوانی مؤلفین و جمع آورندگان آنها را دریابد، و شهرت این روایات در بین اندیشمندان و دانشمندان اسلامی را غیر قابل انکار ببیند، باید به کتاب‌های «جوامع»، «سنن»، «مسانید» و کتاب‌های «تفسیر»، «تاریخ»، «رجال»، «فرهنگ‌نامه‌ها»، «لغت‌نامه‌ها» و غیر آن مراجعه نماید، تا بفهمد که برشمردن همه این احادیث و کتاب‌های مربوطه کاری بسیار دشوار است.

ما در این مختصر، تنها درباره یکی از این کتاب‌ها که پیرامون این موضوع نگاشته شده، سخن می‌گوییم و به عنوان نمونه‌ای از این‌گونه تألیفات و به‌عنوان دلیلی بر بسیاری چشمگیر این مطالب در کتاب‌های دیگر، به بررسی آنچه در این کتاب آمده است، می‌پردازیم. این کتاب *البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان*^۱ نام دارد.

۱. این کتاب که متأسفانه تاکنون به فارسی ترجمه نشده است، دارای ابواب مختلف است که در هر باب مجموعه‌ای از مشهورترین و معتبرترین روایات اهل سنت، درباره حضرت مهدی عج و خصوصیات آن حضرت و نشانه‌های ظهور ایشان جمع‌آوری شده است.

اما کتاب و مؤلف آن، هر دو بی‌نیاز از تعریف هستند؛ زیرا خود کتاب از کتاب‌های مشهور و معروف است که نسخه خطی آن در چندین کتابخانه بزرگ موجود است و اخیراً چاپ جدیدی از این کتاب با استفاده از تصویربرداری از نسخه خطی موجود در کتابخانه مسجدالحرام در مکه مکرمه عرضه شده است و ما خود نیز، نسخه خطی دیگری از آن را که در کتابخانه مسجد اعظم قم - از یادگارهای مرحوم مغفور آیت‌الله العظمی بروجردی - حفظ و نگهداری می‌شود، مشاهده کرده‌ایم.

مؤلف این کتاب، عالم بزرگ و محدث مشهور «علی بن حسام‌الدین بن عبدالملک المتقی الشاذلی المدینی الهندی» متوفی به سال ۹۷۷ هجری قمری است. وی نویسنده‌ای معروف است و شرح حالش در کتاب‌هایی که پیرامون زندگی نامه‌های علما و بزرگان اهل سنت نگاشته شده است، موجود است. چنان‌که در مقدمه و نسخه چاپ‌شده همین کتاب نیز شرح زندگانی و آثار و مقامات او درج گردیده است.

برخی از آنچه در این کتاب آمده و برآینم تا آگاهی مختصری نسبت به آن پیدا کنیم، عبارتند از: اسامی آن دسته از مشایخ و راویان و صاحبان کتاب‌های «جوامع»، «سنن» و «مسانید» که احادیث مربوط به «عقیده به مهدویت» را در کتاب‌های خویش روایت کرده‌اند، و مؤلف این کتاب نیز روایات وارده را از ایشان نقل کرده است و نیز اسامی

گروهی از علمای مشهور و تابعینی^۱ که پس از عهد پیامبر ﷺ این احادیث و اخبار را روایت کرده‌اند و نیز اسامی گروهی از صحابه که خود، بدون واسطه از رسول الله ﷺ نقل حدیث کرده‌اند.

اسامی مشایخ، اساتید فن و صاحبان کتاب‌های جامع حدیث

- ۱- طبرانی، ۲- ابونعیم اصفهانی، ۳- خطیب بغدادی، ۴- ابن ابی شیبه کوفی، ۵- نعیم بن حمّاد مروزی - یکی از اساتید امام بخاری صاحب صحیح البخاری - ، ۶- حاکم نیشابوری، ۷- احمد بن حنبل، ۸- مارودی، ۹- بزاز، ۱۰- ترمذی، ۱۱- دارقطنی، ۱۲- ابن ماجه قزوینی، ۱۳- ابویعلی موصلی، ۱۴- ابن عساکر، ۱۵- مسلم نیشابوری، ۱۶- ثعلبی، ۱۷- ابوداود سجستانی، ۱۸- ابن جوزی، ۱۹- ابن اسامه، ۲۰- تمام بجلی، ۲۱- رویانی، ۲۲- ابن منده، ۲۳- حسن بن سفیان شیبانی، ۲۴- عثمان بن سعید دانی، ۲۵- ابوالحسن حوی، ۲۶- ابن کثیر، ۲۷- ابن سعد، ۲۸- واقدی، ۲۹- ابوبکر بن مقری، ۳۰- ابن مناوی، ۳۱- ابوغنم کوفی، ۳۲- ابن مردویه اصفهانی، ۳۳- ابن خزیمه، ۳۴- ابو عوانه، ۳۵- ابوبکر اسکافی، ۳۶- دیلمی، ۳۷- قرطبی، ۳۸- ابن لهیعه، ۳۹- ابوبکر احمد بیهقی، ۴۰- ابوالحسن آبری، ۴۱- ابن حبان بستی، ۴۲- ابوبکر احمد بن محمد بن عبدالله بن صدقه.

۱. تابعین به کسانی گفته می‌شود که زمان پیامبر ﷺ را درک نکرده‌اند؛ لکن با اصحاب و یاران نزدیک پیامبر ﷺ که پس از پیامبر ﷺ می‌زیسته‌اند، همنشینی و مصاحبت داشته و از آنان نقل روایت نموده‌اند.

اسامی برخی از مشاهیر از تابعین

۱- عاصم بن عمرو بجلی، ۲- سعید مسیب، ۳- ابوجعفر محمد بن علی
الباقر علیه السلام، ۴- اسحاق بن یحیی، ۵- شهر بن حوشب، ۶- زهری، ۷- مطر
الوراق، ۸- طاووس، ۹- صباح، ۱۰- عمرو بن علی، ۱۱- مکحول، ۱۲-
کعب بن علقمه، ۱۳- قتاده، ۱۴- عبدالله بن حارث، ۱۵- محمد بن حبیر،
۱۶- ارطاة بن منذر، ۱۷- حکم بن عیینه، ۱۸- ابوقبیل، ۱۹- ابن ابی طلحه،
۲۰- کثیر بن مرّه، ۲۱- ابن سیرین، ۲۲- مجاهد، ۲۳- خالد بن سعد، ۲۴-
ابومریم، ۲۵- شریک، ۲۶- ابوارطاة، ۲۷- ضمرة بن حبيب، ۲۸- حکم بن
نافع، ۲۹- خالد بن معدان، ۳۰- محمد بن حنفيه، ۳۱- سدی، ۳۲- سلیمان
بن عیسی، ۳۳- بقیة بن ولید، ۳۴- ولید بن مسلم، ۳۵- قیس بن جابر، ۳۶-
عمرو بن شعیب، ۳۷- ابن شوذب، ۳۸- دینار بن دینار، ۳۹- معمر، ۴۰-
فضل بن دکین، ۴۱- سالم بن ابی جعد، ۴۲- محمد بن صامت، ۴۳- حکیم
بن سعد، ۴۴- ابراهیم بن میسره، ۴۵- ابوامیه.

اسامی روایت کنندگان درباره حضرت مهدی علیه السلام از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

۱- علی بن ابی طالب علیه السلام، ۲- عمار بن یاسر، ۳- حذیفه یمانی، ۴-
ابوسعید خدری، ۵- طلحة بن عبیدالله، ۶- ابن عمر، ۷- عبدالله بن مسعود،
۸- جابر بن عبدالله، ۹- عبدالرحمن بن عوف، ۱۰- عمر بن خطّاب، ۱۱-
ابن عباس، ۱۲- ابوهریره، ۱۳- انس بن مالک، ۱۴- ابوامامه، ۱۵- هلالی،

۱۶- ابوظفیل، ۱۷- حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۸- حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۹- ثوبان، ۲۰- ابی بن کعب، ۲۱- جابر بن سمره، ۲۲- جابر صدفی، ۲۳- عبدالله بن عمرو بن عاص، ۲۴- عمرو بن عاص، ۲۵- امّ سلمه، ۲۶- عایشه، ۲۷- اسماء بنت عمیس، ۲۸- امّ حبیبه.

در اینجا بعد از ذکر اسامی، به خاطر افزایش آگاهی خواننده و خالی نبودن این نوشتار از متون این احادیث و نیز به منظور کسب ثواب و اجری که در احادیثی مانند:

«مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِقِيهَا»؛^۱

«هرکس از امت من، چهل حدیث را حفظ نماید، خداوند روز قیامت، او را به عنوان فقیه محشور می فرماید».

وعده داده شده است،^۲ درصدد برآمدیم که چهل حدیث از احادیث نقل شده در این کتاب را - که افزون از دویست حدیث می باشد - در این نوشتار ذکر نماییم. وما توفیقی الا بالله.

۱. از فرمایشات رسول الله صلی الله علیه و آله، صدوق، الخصال، ص ۵۴۱؛ همو، ثواب الاعمال، ص ۱۳۴؛ مفید، الاختصاص، ص ۶۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۵۳.

۲. از شافعی نقل شده است که درباره این گونه احادیث گفت: مراد از این چهل حدیث، احادیثی است که درباره فضایل و مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شده است. در همین زمینه، داستان عجیبی از احمد بن حنبل نیز نقل شده است که طالبین آن می توانند به کتاب اربعین از شیخ ابوالفتح محمد بن احمد بن ابی الفوارس متوفی سال ۴۱۲ هجری قمری مراجعه نمایند.



چهل حدیث پیرامون

باورداشت مهدویت

چهل حدیث پیرامون باورداشت مهدویت

۱- احمد و ابن ابی شیبیه و ابن ماجه و نعیم بن حمّاد در کتاب «الفتن»، از علی عاشق نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، يُصَلِّحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ»؛^۱

«مهدی عاشق از ما اهل بیت است، خداوند امر او را در یک شب اصلاح خواهد فرمود».

۲- ابوداود و ابن ماجه و طبرانی و حاکم، از امّ سلمه روایت کرده‌اند که گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«الْمَهْدِيُّ مِنْ عَشْرَتِي، مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ»؛^۲

«مهدی عاشق از سلاله من است، از فرزندان فاطمه علیها السلام».

۳- حاکم و ابن ماجه و ابونعیم، از انس بن مالک روایت کرده‌اند که وی گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۸۹، باب ۲، حدیث ۱.

۲. متقی هندی، البرهان، ص ۸۹، باب ۲، حدیث ۲.

«نَحْنُ سَبْعَةٌ وُلِدَ عَبْدُ الْمُطَلِّبِ سَادَةَ أَهْلِ الْجَنَّةِ: أَنَا
وَحَمْزَةٌ وَعَلِيٌّ وَجَعْفَرُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْمَهْدِيُّ»؛^۱
«ما هفت نفر از فرزندان عبدالمطلب، سروران اهل
بهشت هستیم: من و حمزه و علی و جعفر و حسن و
حسین و مهدی».

۴- ترمذی به طریق صحیح از ابوهریره نقل کرده است که گفت:
رسول خدا ﷺ فرمود:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ،
حَتَّى يَلِيَ الْمَهْدِيُّ»؛^۲
«اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز
را آن قدر طولانی می‌کند که مهدی ﷺ در پی آید».

۵- طبرانی در *المعجم الاوسط* از طریق عمرو بن علی روایتی را از
علی بن ابی طالب ﷺ نقل کرده که از پیامبر ﷺ سؤال کرد:

«أَمِنَّا الْمَهْدِيُّ أَمْ مِنْ غَيْرِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ:
بَلْ مِنَّا؛ بِنَا يَخْتِمُ اللَّهُ كَمَا بِنَا فَتَحَ، وَبِنَا

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۸۹، باب ۲، حدیث ۳.

۲. متقی هندی، البرهان، ص ۹۰، باب ۲، حدیث ۵.

يَسْتَنْقِذُونَ مِنَ الشِّرْكِ، وَبِنَا يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ
قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عَدَاوَةٍ بَيْنَهُمْ كَمَا أَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ
بَعْدَ عَدَاوَةٍ الشِّرْكِ؛^۱

«آیا مهدی از بین ماست یا از بین دیگران؟ یا رسول الله! حضرت در جواب فرمود: بلکه از ماست، خداوند همچنان که به ما آغاز فرمود، به ما هم ختم خواهد کرد. به وسیله ماست که مردم از شرک نجات می یابند، به وسیله ماست که خداوند بین دل های مردم الفت و پیوند ایجاد می کند بعد از عداوتی که بین آنهاست؛ همان طور که بین قلوب آنان الفت و پیوند برقرار ساخت، بعد از دشمنی حاصل از شرک، که بینشان جدایی انداخته بود».

۶- نعیم بن حمّاد و ابونعیم از طریق مکحول از علی بن ابی طالب ع روایت کرده اند که فرمود:

«قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَمِنَّا - أَلْ مُحَمَّدٌ - الْمُهْدِيُّ أَمْ مِنْ
غَيْرِنَا؟ فَقَالَ: لَا بَلْ مِنَّا، يَخْتِمُ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ كَمَا فَتَحَ بِنَا،

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۹۱، باب ۲، حدیث ۷.

يُنْقِذُونَ مِنَ الْفِتْنَةِ كَمَا أَنْقَذُوا مِنَ الشَّرْكِ، وَبِنَا يُؤَلِّفُ اللَّهُ
 بَيْنَ قُلُوبِهِمْ، بَعْدَ عَدَاوَةِ الْفِتْنَةِ كَمَا أَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ
 عَدَاوَةِ وَبِنَا يُصْبِحُونَ بَعْدَ عَدَاوَةِ الْفِتْنَةِ إِخْوَانًا كَمَا أَصْبَحُوا
 بَعْدَ عَدَاوَةِ الشَّرْكِ إِخْوَانًا فِي دِينِهِمْ؛^۱

«گفتم: ای رسول خدا! آیا مهدی علیه السلام از بین ما آل
 محمد صلی الله علیه و آله است یا از بین غیرما؟ فرمود: نه بلکه از بین
 ماست، خداوند دین را همچنان که گشود، به وجود او
 ختم خواهد کرد، مردم به وسیله ما از فتنه نجات می یابند،
 چنان که از شرک نجات یافتند و به وسیله ماست که
 خداوند بین دل های مردم الفت و پیوند ایجاد می کند بعد
 از دشمنی حاصل از فتنه؛ همان طور که بعد از دشمنی
 بینشان، قلوبشان را به هم پیوند داد، و به وسیله ماست
 که مردم بعد از دشمنی برخاسته از فتنه، با یکدیگر برادر
 شدند؛ همان طور که بعد از دشمنی برخاسته از شرک با
 یکدیگر برادر شدند».

۷- حارث بن ابی اسامه و ابونعیم از ابوسعید نقل کرده اند که گفت:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۹۱، باب ۲، حدیث ۸.

«لَتَمْلَأَنَّ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا، ثُمَّ لَيَخْرُجَنَّ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي حَتَّى يَمْلَأَهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ عُدْوَانًا وَظُلْمًا»؛^۱

«به درستی که زمین پر از ستم و دشمنی می‌شود، سپس مردی از اهل بیت من قیام خواهد کرد تا زمین را از عدل و داد پر کند چنان‌که پر از دشمنی و ستم شده باشد».

۸- طبرانی در کتاب **المعجم الکبیر** و ابونعیم از ابن مسعود نقل

کرده‌اند که گفت: رسول الله ﷺ فرمود:

«يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِي اسْمُهُ اسْمِي وَخُلُقُهُ خُلُقِي، يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»؛^۲

«مردی از اهل بیت من قیام خواهد کرد، اسمش همانند اسم من و اخلاقش همانند اخلاق من است، او زمین را پر از عدل و داد کند، چنان‌که پر از ظلم و جور شده باشد».

۹- ابونعیم از حدیث نقل کرده است که گفت: رسول الله ﷺ فرمود:

«وَيُحِبُّ هَذِهِ الْأُمَّةَ مِنْ مُلُوكِ جَبَايِرَةَ، يَقْتُلُونَ وَيُحِيفُونَ

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۹۱ - ۹۲، باب ۲، حدیث ۱۰.

۲. متقی هندی، البرهان، ص ۹۲، باب ۲، حدیث ۱۱.

الْمُطِيعِينَ إِلَّا مَنْ أَظْهَرَ طَاعَتَهُمْ؛ فَالْمُؤْمِنُ التَّقِيُّ
 لِيُصَانَهُمْ بِلِسَانِهِ، وَيَفِرَّ مِنْهُمْ بِقَلْبِهِ وَجَنَانِهِ. فَإِذَا أَرَادَ
 اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُعِيدَ الْإِسْلَامَ عَزِيزًا قَصَمَ كُلَّ جَبَّارٍ
 عَنِيدٍ، وَهُوَ الْقَادِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ أَنْ يُصْلِحَ أُمَّةً بَعْدَ
 فَسَادِهَا. يَا حُدَيْفَةُ! لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ،
 لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَمْلِكَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي رَجُلًا،
 تَجْرِي الْمَلَا حِمَّ عَلَى يَدَيْهِ، وَيُظْهِرُ الْإِسْلَامَ وَلَا
 يُخْلِفُ وَعْدَهُ، وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ»؛^۱

«وای بر این امت از پادشاهان ستمگر! مردم را می کشند و اطاعت کنندگان پروردگار را می ترسانند، مگر کسی را که فرمان بری و اطاعت از آنان را اظهار کند. پس انسان با ایمان و پرهیزکار باید با زبانش با آنان بسازد؛ اما در قلب و دلش از آنان بگریزد. پس اگر خدای بزرگ بخواهد اسلام را عزیز گرداند، هر ستمگر عنادپیشه‌ای را درهم خواهد شکست و او بر آنچه بخواهد تواناست و می تواند امت را بعد از تباهی اصلاح فرماید — و حالشان را نیکو

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۹۲، باب ۲، حدیث ۱۲.

گرداند - ای حذیفه! اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی
نمانده باشد، خداوند همان یک روز را آنچنان طولانی
خواهد کرد که مردی از اهل بیت من به حکومت رسد، به
دست او پیشامدهایی عجیب به وقوع می‌پیوندد و خداوند -
به دست او - اسلام را پیروز می‌کند و در وعده‌هایش
خلاف نمی‌کند و او محاسبه‌گری سریع است».

۱۰- حسن بن سفیان و ابونعیم از ابوهریره نقل کرده‌اند که گفت:
رسول خدا ﷺ فرمود:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا لَيْلَةٌ، لَيَمْلِكُ فِيهَا رَجُلٌ مِنْ
أَهْلِ بَيْتِي»؛^۱

«اگر از عمر دنیا جز یک شب باقی نمانده باشد،
خداوند در همان یک شب، مردی از اهل بیت مرا به
حکومت خواهد رسانید».

۱۱- رویانی در کتاب مسند خویش و ابونعیم از حذیفه نقل کرده‌اند
که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود:

«الْمُهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي، لَوْنُهُ لَوْنُ عَرَبِيٍّ، وَجِسْمُهُ

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۹۲، باب ۲، حدیث ۱۳.

جِسْمِ إِسْرَائِيلِيٍّ، عَلَى خَدِّهِ الْإِيْمَنِ خَالٌ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ
دُرِّيٌّ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا،
يُرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَأَهْلُ السَّمَاءِ وَالطَّيْرِ
فِي الْجَوْ؛^۱

«مهدی علیه السلام مردی از فرزندان من است، رنگ
رخساره‌اش، رنگ عرب‌ها و اندامش، اندام
اسرائیلی‌هاست،^۲ بر گونه راستش خالی هست که
مانند ستاره‌ای درخشان است. زمین را از عدالت پر
می‌سازد چنان‌که از ستم و حق‌کشی پر شده باشد. در
زمان خلافت و رهبری او، زمینیان و آسمانیان و
پرندگان فضا راضی و خشنود خواهند بود».

۱۲- ابونعیم از امام حسین علیه السلام روایت کرده است که همانا پیامبر صلی الله علیه و آله
به فاطمه زهرا علیها السلام فرمودند:

«يَا بِنْتِيَّةُ! الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِكَ»؛^۳

«ای دختر من! مهدی از فرزندان توست».

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۹۳ - ۹۴، باب ۲، حدیث ۱۶.

۲. یعنی از نظر جنس و طول قامت مثل آنهاست.

۳. متقی هندی، البرهان، ص ۹۴، باب ۲، حدیث ۱۷.

۱۳- ابن عساکر از امام حسین علیه السلام روایت کرده است که همانا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِبْرِي يَا فَاطِمَةُ! الْمَهْدِيُّ مِنْكَ»؛^۱

«ای فاطمه! تو را بشارت باد که مهدی علیه السلام از نسل تو است.»

۱۴- طبرانی در کتاب **المعجم الكبير** و ابونعیم از هلال - یا هلالی - نقل کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمود:

«وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مِنْهُمَا - يَعْنِي الْحَسَنَ
وَالْحُسَيْنَ - مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ. إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا
هَرَجًا وَمَرَجًا، وَتَظَاهَرَتِ الْفِتْنُ وَتَقَطَّعَتِ السُّبُلُ،
وَأَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، فَلَا كَبِيرٌ يَرْحَمُ صَغِيرًا
وَلَا صَغِيرٌ يُوقِّرُ كَبِيرًا، فَيَبْعَثُ اللَّهُ . عَزَّوَجَلَّ . عِنْدَ
ذَلِكَ مِنْهُمَا مَنْ يَفْتَحُ حُصُونِ الصَّلَاةِ وَقُلُوبًا
(عَلْفًا) غَفْلًا؛ يَقُومُ بِالَّذِينَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، كَمَا
قُتِبَتْ بِهِ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ، وَيَمْلَأُ الدُّنْيَا عَدْلًا كَمَا
مَلَأَتْ جَوْرًا»؛^۲

«سوگند به آن که مرا به حقیقت مبعوث گردانید!

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۹۴، باب ۲، حدیث ۱۷.

۲. متقی هندی، البرهان، ص ۹۴ - ۹۵، باب ۲، حدیث ۱۹.

مهدی این امت از نسل این دو نفر است — اشاره به حسن و حسین علیهما السلام — زمانی که دنیا آشفته گردد و فتنه‌ها ظاهر شوند و راه‌ها کوتاه گردند و برخی مردم بر برخی دیگر هجوم آورند که نه بزرگسالان به خردسالان رحم کنند و نه خردسالان به بزرگسالان احترام نهند، در آن زمان خداوند از نسل این دو، کسی را برمی‌انگیزد که حصارهای گمراهی را می‌گشاید و دل‌های غفلت‌زده را بیدار می‌کند و در آخرالزمان دین را به‌پا می‌دارد، چنان‌که من در ابتدا آن را به‌پا داشتیم و دنیا را از عدالت پر می‌سازد چنان‌که از ستم پر شده باشد».

۱۵- نیز او - نعیم بن حماد - از علی علیه السلام و عایشه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود:

«الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ عِزَّتِي، يُقَاتِلُ عَلِيَّ سُنَّتِي كَمَا
فَاتَلْتُ أَنَا عَلِيَّ الْوَحْيِ»؛^۱

«مهدی مردی از خاندان من است، او برطبق سنت

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۹۵، باب ۲، حدیث ۲۶.

من - با مخالفین - می‌جنگد چنان که من برطبق

وحی الهی می‌جنگیدم».

۱۶- نیز او - نعیم بن حماد - از علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کرده است که فرمود:

«الْمُهْدِيُّ رَجُلٌ مِّنَّا مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ»؛^۱

«مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ مردی از - نسل - ما از فرزندان

فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ است».

۱۷- طبرانی از عوف بن مالک نقل کرده است که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«يَجِيءُ فِتْنَةٌ عَبْرَاءُ مُظْلَمَةٌ، تَتَّبِعُ الْفِتْنُ بَعْضُهَا بَعْضًا

حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُقَالُ لَهُ الْمُهْدِيُّ؛

فَإِنْ أَدْرَكَتْهُ فَاتَّبِعْهُ وَكُنْ مِنَ الْمُهْتَدِينَ»؛^۲

«فتنه‌ای سخت تیره و تاریک فرا می‌رسد، فتنه‌ها

پشت‌سر هم - بر مردم - وارد می‌شوند، تا اینکه مردی از

اهل‌بیت من قیام کند که مهدی خوانده می‌شود. اگر او را

دریافتی پیرو او باش تا از هدایت‌یافتگان باشی».

۱۸- دانی از حکم بن عیینه نقل کرده است که گفت: به محمد بن

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۹۵، باب ۲، حدیث ۲۳.

۲. متقی هندی، البرهان، ص ۱۰۳، باب ۴، فصل ۱، حدیث ۲.

علی عرضه داشت: شنیدم که از نسل شما مردی ظهور می‌کند که در این امت عدالت را برپا می‌دارد، فرمود:

«إِنَّا نَرْجُو مَا يَرْجُو النَّاسُ، وَإِنَّا نَرْجُو لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ
الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَكُونَ مَا
تَرْجُوهُ هَذِهِ الْأُمَّةُ، وَقَبْلَ ذَلِكَ فِتْنٌ شَرٌّ؛ فِتْنَةٌ يُمَسِّي
الرَّجُلُ مُؤْمِنًا وَيُصْبِحُ كَافِرًا، وَيُصْبِحُ مُؤْمِنًا وَيُمَسِّي
كَافِرًا، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَلْيَكُنْ مِنْ
أَحْلَاسِ بَيْتِهِ»؛^۱

«همانا ما به همان چیزی که مردم امید دارند، امید بسته‌ایم و امیدواریم که اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند همان یک روز را آن‌چنان طولانی کند که آنچه را این امت به آن امید بسته‌اند، تحقق پذیرد و قبل از آن بدترین فتنه‌ها پدید می‌آید، چنان‌که شخصی از برخی مردم، در شب مؤمن است و صبح که می‌شود کافر شده است، یا در صبح مؤمن است و شب که می‌رسد کافر گردیده است، پس اگر کسی از شما به چنین فتنه‌ای

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۱۰۴، باب ۴، فصل ۱، حدیث ۷.

گرفتار شد، باید تقوای الهی پیشه کند و باید
کناره‌گزینی و خانه‌نشینی اختیار کند».

۱۹- امام ابو عبدالله نعیم بن حماد در کتاب *الفتن* از عمار بن یاسر
نقل کرده است:

«إِذَا قُتِلَتِ النَّفْسُ الرَّكِيَّةُ، وَأَخُوهُ يُقْتَلُ بِمَكَّةَ صَيِّعَةً،
نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: إِنَّ أَمِيرَكُمْ فُلَانٌ وَذَلِكَ
الْمُهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ حَقًّا وَعَدْلًا»؛^۱

«زمانی که نفس زکیه کشته شود و برادرش در مکه
به نبردی شدید پردازد، ندا دهنده‌ای از آسمان ندا دهد
که امیر و فرمانروای شما فلانی است و او همان
مهدی است؛ کسی که زمین را از حقیقت و عدالت
آکنده سازد».

۲۰- طبرانی در کتاب *المعجم الاوسط* از طلحة بن عبیدالله، از
پیامبر ﷺ روایت کرده است:

«سَتَكُونُ فِتْنَةٌ لَا يَهْدَأُ مِنْهَا جَانِبٌ إِلَّا جَاشَ مِنْهَا جَانِبٌ،
حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: إِنَّ أَمِيرَكُمْ فُلَانٌ»؛^۲

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۱۱۲، باب ۴، فصل ۱، حدیث ۷.

۲. متقی هندی، البرهان، ص ۷۱، باب ۱، حدیث ۱.

«فتنه‌ای خواهد بود، هنوز طرفی از این فتنه آرام نگرفته که طرف دیگری بر می‌شورد - قسمتی از آن آرامش نیابد مگر آنکه قسمتی دیگر از آن برمی‌آشوبد - تا آنکه ندادنده‌ای از آسمان ندا در می‌دهد: همانا امیر و فرمانروای شما فلانی است».

۲۱- ابونعیم و خطیب در کتاب *تلخیص المتشابه* از ابن عمر نقل کرده‌اند که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود:

«يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ مَلَكٌ يُنَادِي: إِنَّ هَذَا مَهْدِيٌّ فَاتَّبِعُوهُ»؛^۱

«مهدی قیام می‌کند درحالی که بالای سر او فرشته‌ای ندا می‌دهد: این مهدی است از او پیروی کنید».

۲۲- ابونعیم از علی رضی الله عنه روایت کرده که فرمود:

«إِذَا نَادَى مُنَادٌ مِنَ السَّمَاءِ: إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ وَيَشْرَبُونَ حُبَّهُ، وَلَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرَهُ»؛^۲

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۷۲، باب ۱، حدیث ۲.

۲. متقی هندی، البرهان، ص ۷۳، باب ۱، حدیث ۴.

«زمانی که ندادنده‌ای از آسمان ندا می‌دهد که: حقّ در خاندان محمد ﷺ است. در آن هنگام نام مهدی بر زبان‌های مردم آشکار می‌گردد و محبت او را به دل می‌گیرند و از غیر او یاد نمی‌کنند».

۲۳- نیز او - نعیم بن حماد - از شهر بن حوشب نقل کرده است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود:

«فِي الْمَحْرَمِ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: أَلَا إِنَّ صَفْوَةَ اللَّهِ [مِنْ خَلْقِهِ] فَلَانٌ فَاسْمَعُوا لَهُ، أَطِيعُوهُ فِي سَنَةِ الصَّوْتِ الْمُعْمَعَةِ!»^۱

«در ماه محرم، نداکننده‌ای از آسمان ندا می‌دهد: آگاه باشید که برگزیده خدا - از میان خلائق - فلانی است، پس فرمانش را گوش کنید و از او اطاعت کنید در سالی که جنگ‌ها و فتنه‌ها فراوان است و سالِ صدای آسمانی است».

۲۴- از امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب عليه السلام نقل شده است که فرمود:

«تُخْتَلَفُ ثَلَاثُ رَايَاتٍ: رَايَةٌ بِالْمَغْرِبِ وَرَايَةٌ بِالْجَزِيرَةِ

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۷۵، باب ۱، حدیث ۹.

وَرَايَةَ بِالشَّامِ؛ تَدْوِمَ الْفِتْنَةَ بَيْنَهُمْ سَنَةً. ثُمَّ ذَكَرَ خُرُوجَ
السُّفْيَانِيِّ وَمَا يَفْعَلُهُ مِنَ الظُّلْمِ وَالْحُجُورِ. ثُمَّ ذَكَرَ خُرُوجَ
الْمُهْدِيِّ وَمُبَايَعَةَ النَّاسِ لَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ. قَالَ:
يَسِيرُ بِالْحَبَشِ حَتَّى يَسِيرَ بِوَادِي الْقُرَى فِي هُدُوءٍ
وَرَفْقٍ، وَيَلْحَقُهُ هُنَاكَ ابْنُ عَمِّهِ الْحَسَنِيُّ فِي اثْنِي عَشَرَ
أَلْفَ فَارِسٍ، فَيَقُولُ لَهُ: يَا بَنَ عَمِّ! أَنَا أَحَقُّ بِهَذَا
الْجَيْشِ مِنْكَ، أَنَا ابْنُ الْحَسَنِ وَأَنَا الْمُهْدِيُّ. فَيَقُولُ
لَهُ الْمُهْدِيُّ: بَلْ أَنَا الْمُهْدِيُّ. فَيَقُولُ لَهُ الْحَسَنِيُّ: هَلْ
لَكَ مِنْ آيَةٍ فَأُبَايِعَكَ؟ فَيَوْمِي الْمُهْدِيُّ إِلَى الطَّيْرِ
فَيَسْقُطُ عَلَى يَدَيْهِ، وَيَغْرَسُ قُضْبِيًّا فِي بُقْعَةٍ مِنَ
الْأَرْضِ فَيُحْضَرُ وَيُورَقُ، فَيَقُولُ لَهُ الْحَسَنِيُّ: يَا بَنَ
عَمِّي هِيَ لَكَ»؛^۱

«سه پرچم به مخالفت با یکدیگر برافراشته شود؛
پرچمی در مغرب و پرچمی در جزیره (عربستان) و
پرچمی در شام، و فتنه و جنگ بین آنها یک سال
طول می کشد - سپس از قیام سفیانی و ظلم و ستمی
که بر مردم روا می دارد، یاد کرد و پس از آن از ظهور

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۷۶ - ۷۷، باب ۱، حدیث ۱۵.

و قیام حضرت مهدی علیه السلام و بیعت کردن مردم با او در بین رکن و مقام یاد نمود - و فرمود: لشکریان خویش را حرکت می‌دهد تا در کمال آرامش و مدارا به وادی القری می‌رسند. در آنجا پسرعمویش^۱ سید حسنی همراه با دوازده هزار سوار به او می‌رسد و به او می‌گوید: ای پسرعمو! من به فرماندهی این لشکر سزاوارتر از تو هستم؛ زیرا من فرزند امام حسن علیه السلام هستم و مهدی من هستم. حضرت مهدی علیه السلام به او می‌فرماید: بلکه من مهدی هستم. حسنی می‌گوید: آیا تو را نشانه و معجزه‌ای هست تا با تو بیعت کنم؟ پس حضرت مهدی علیه السلام به پرنده‌ای اشاره می‌نماید و پرنده در دست‌هایش قرار می‌گیرد و نی خشکی را می‌گیرد و در زمین می‌کارد - بلافاصله - سبز می‌شود و برگ می‌دهد. آن زمان «سید حسنی» به او عرض می‌کند: ای پسر عموی من! این مقام سزاوار توست».

۱. از اینکه در این روایت، چند مورد تصریح شده است که سید حسنی - که از نسل امام حسن علیه السلام است - حضرت مهدی علیه السلام را به عنوان پسرعمو خطاب می‌کند، می‌توان استفاده کرد که: قائم آل محمد علیه السلام از نسل امام حسین علیه السلام می‌باشد، چنان‌که عقیده همه علمای شیعه و بسیاری از بزرگان اهل سنت است، و در کتاب‌های مختلف از جمله **منتخب الاثر** مجموعه‌ای از روایات اهل سنت و تشیع در این باره نقل شده است.

۲۵- نعیم و ابونعیم از ابوسعید نقل کرده‌اند که گفت: رسول

خدا ﷺ فرمود:

«يَكُونُ عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَانِ وَظُهُورِ مِنَ الْفِتَنِ رَجُلٌ
يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ، يَكُونُ عَطَاؤُهُ حَيًّا»؛^۱

«هنگامی که آخرالزمان شود - و یأس و ناامیدی رخ
نماید - و فتنه‌ها ظاهر شود، مردی خواهد بود که
مهدی نامیده می‌شود و بخشش و عطایایش ریزان و
سرشار است».

۲۶- ابونعیم از عبدالرحمن بن عوف نقل کرده است که گفت: رسول

خدا ﷺ فرمود:

«[يَكُونُ عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَانِ] لَيَعَثَّ اللَّهُ مِنْ
عَثْرَتِي رَجُلًا أَفْرَقَ الثَّنَايَا أَجْلَى الْجَبْهَةِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ
عَدْلًا، وَ يَفِيضُ الْمَالَ فَيَضًا»؛^۲

«هنگامی که آخرالزمان شود - یأس و ناامیدی و
قحطی رخ نماید - به تحقیق خداوند مردی از خاندان
مرا برخواهدانگیخت، دندان‌های پیشینش فاصله‌دار و

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۸۴، باب ۱، حدیث ۳۳.

۲. متقی هندی، البرهان، ص ۸۴، باب ۱، حدیث ۳۲.

جینش گشاده است. زمین را از عدالت پر می‌سازد و مال فراوان می‌بخشد».

۲۷- احمد و مسلم از ابوسعید و جابر، از رسول خدا ﷺ روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود:

«يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةٌ يُقَسِّمُ الْمَالَ
وَلَا يَعْدُهُ»؛^۱

«در آخرالزمان خلیفه‌ای خواهد بود که مال را بدون اینکه بشمارد، تقسیم می‌کند».

۲۸- حذیفه بن یمان از پیامبر ﷺ روایت کرده که آن حضرت - درباره قضیه حضرت مهدی عاشق و بیعت کردن مردم با او در بین رکن و مقام خانه کعبه و خروج او به سوی شام - فرمود:

«وَجَبْرَيْلُ عَلَى مَقْدِمَتِهِ، وَمِيكَائِيلُ عَلَى سَاقَتِهِ، يُفْرَحُ
بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ وَالْوَحْشِ وَالْحَيَاتَانُ
فِي الْبَحْرِ»؛^۲

«و جبرئیل در رأس پیشاهنگان لشکر و میکائیل در

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۸۳، باب ۱، حدیث ۲۸.

۲. متقی هندی، البرهان، ص ۷۷، باب ۱، حدیث ۱۶.

رأس دنباله‌داران لشکر او قرار دارند، آسمانیان و
زمینیان و پرندگان و حیوانات وحشی و ماهیان دریا،
همگی به ظهور او شاد می‌شوند».

این روایت را ابو عمر و عثمان بن سعید مقری نیز در کتاب «سنن»
خود نقل کرده‌اند.

۲۹- احمد و باوردی در کتاب *المعرفة* و ابونعیم از ابوسعید نقل
کرده‌اند که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود:

«بُشْرَاكُمْ بِالْمَهْدِيِّ! رَجُلٌ مِنْ قَرِيْشٍ مِنْ أُمَّتِي عَلَيَّ
اِخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلْزَلٍ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا
وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَظُلْمًا، وَيَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ
السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ، وَيُقَسِّمُ الْمَالَ صِحَاحًا
بِالسَّوِيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ وَيَمْلَأُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدَ غَنِيٍّ،
وَيَسْعُهُمْ عَدْلُهُ حَتَّى إِنَّهُ يَأْمُرُ مُنَادِيًا فَيُنَادِي: مَنْ لَهُ
حَاجَةٌ؟ فَمَا يَأْتِيهِ أَحَدٌ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ، يَأْتِيهِ يَسْأَلُهُ
فَيَقُولُ: إِنَّتِ السَّادِنَ يُعْطِيكَ. فَيَأْتِيهِ فَيَقُولُ: أَنَا
رَسُولُ الْمَهْدِيِّ إِلَيْكَ لَتُعْطِيَنِي مَالًا، فَيَقُولُ: اِحْتِ!
فَيَحْتِي، فَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَحْمِلَهُ. فَيَلْقَى حَتَّى يَكُونَ

قَدَرَ مَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَحْمِلَهُ فَيَخْرُجُ بِهِ وَيَبْدُمُ، فَيَقُولُ:
أَنَا كُنْتُ أَجْشَعُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ نَفْسًا، كُلُّهُمْ دَعَى إِلَيَّ
هَذَا الْمَالِ فَتَرَكَهُ غَيْرِي، فَيَرُدُّهُ عَلَيْهِ فَيَقُولُ: إِنَّا لَا
نُقْبَلُ شَيْئًا أُعْطِينَاهُ، فَيَلْبَثُ فِي ذَلِكَ سِتًّا أَوْ سَبْعًا أَوْ
تِسْعَ سِنِينَ، وَلَا خَيْرَ فِي الْحَيَاةِ بَعْدَهُ»؛^۱

«شما را به مهدی بشارت باد! مردی از قریش از
بین امت من، در زمانی که مردم باهم به مخالفت و
ستیز برمی‌خیزند و زلزله‌ها روی می‌دهد، او زمین
را از عدالت و برابری پر می‌سازد چنان‌که از ظلم و
جور پر شده باشد. آسمانیان و ساکنان زمین از او
راضی و خشنود می‌شوند. او مال را به درستی و
برابری بین مردم تقسیم می‌کند و دل‌های امت
محمد ﷺ را از بی‌نیازی می‌آکند و عدالت او
همگان را شامل می‌شود، تا آنجا که فرمان می‌دهد
منادی ندا در دهد: کیست که نیازی داشته باشد؟
پس هیچ‌کس جز یک مرد به نزد او نمی‌آید. آن

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۷۹ - ۸۰، باب ۱، حدیث ۲۱.

مرد نزد او می‌آید و درخواست می‌کند، می‌فرماید:
 به نزد نگهبان پرده‌دار برو، به تو [نیازت را] می‌دهد. به نزد او می‌رود و می‌گوید: من فرستاده
 مهدی هستم، نزدت آمده‌ام که مالی به من عطا
 کنی. پس می‌گوید: بریز و آن قدر از مال به دامنش
 می‌ریزد که نمی‌تواند آن را حمل کند. پس مال را
 بیرون می‌برد، درحالی که پشیمان است و با خود
 می‌گوید: من طمع‌کارترین و حریص‌ترین فرد از
 اُمَّتِ مُحَمَّدٍ ﷺ بودم، همه آنان به این مال
 فراخوانده شدند؛ اما جز من کسی آن را قبول نکرد.
 پس باز می‌گردد و پول‌ها را به نگهبان پس می‌دهد.
 او می‌گوید: ما چیزی را که به کسی بخشیدیم،
 باز پس نمی‌گیریم. پس آن حضرت، در چنان
 حکومتی شش یا هفت یا نه سال درنگ می‌کند و
 بعد از او، خیری در زندگانی نیست».

۳۰- نیز او - نعیم بن حماد - از عبدالله از ابوسعید، از پیامبر ﷺ

روایت کرده است که آن حضرت فرمود:

«الْمَهْدِيُّ مِنَّا، أَجَلَى الْجِبْهَةِ أَقْنَى الْأَنْفِ»؛^۱

«مهدی از نسل ماست، گشاده‌پیشانی است و وسط

بینی او قدری برآمده است».

۳۱- نعیم بن حمّاد از ابوسعید خدری نقل کرده است که گفت:

رسول خدا ﷺ فرمود:

«سَتَكُونُ بَعْدِي فِتْنٌ؛ مِنْهَا فِتْنَةُ الْأَخْلَاسِ

يَكُونُ فِيهَا حَرْبٌ وَهَرْبٌ، ثُمَّ بَعْدَهَا فِتْنَةٌ

أَشَدُّ مِنْهَا، ثُمَّ تَكُونُ فِتْنَةٌ، كَمَا قِيلَ:

انْقَطَعَتْ تَمَادَتِ حَتَّى لَا يَبْقَى بَيْتٌ إِلَّا

دَخَلَتْهُ، وَلَا مُسْلِمٌ إِلَّا مَلَتْهُ حَتَّى يَخْرُجَ

رَجُلٌ مِنْ عِثْرَتِي»؛^۲

«پس از من فتنه‌هایی رخ خواهد داد؛ یکی از آن

فتنه‌ها، فتنه تنگدستی و بیچارگی و

خانه‌نشینی خواهد بود. در آن فتنه، جنگ‌ها و

گریزها به وقوع می‌پیوندند، و بعد از آن فتنه‌ای

سخت‌تر و پس از آن فتنه‌ای دیگر خواهد بود.

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۹۹، باب ۳، حدیث ۳.

۲. متقی هندی، البرهان، ص ۱۰۳، باب ۴، حدیث ۳.

هرچه گفته می‌شود: دیگر فتنه به پایان رسید، گسترش بیشتر می‌یابد، تا جایی که هیچ خانه‌ای نمی‌ماند مگر آنکه فتنه‌ای آن را دربرمی‌گیرد، و هیچ مسلمانی نیست مگر آنکه فتنه‌ها او را دل‌زده و دل‌تنگ ساخته باشد، تا اینکه مردی از خاندان من قیام کند».

۳۲- نعیم از علی عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کرده است که آن حضرت فرمود:

«لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى يُقْتَلَ ثَلَاثًا، وَيَمُوتَ ثَلَاثًا، وَيَبْقَى ثَلَاثًا»؛^۱

«مهدی قیام نخواهد کرد تا زمانی که یک‌سوم مردم کشته شوند، یک‌سوم دیگر بمیرند و - تنها - یک‌سوم آنها باقی بمانند».

۳۳- ابن ابی شیبہ نقل کرده است که گفت: فلانی - مردی از اصحاب

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - برایم روایت کرد که:

«[إِنَّ] الْمَهْدِيَّ لَا يَخْرُجُ حَتَّى تَقْتُلَ النَّفْسَ الزَّكِيَّةَ، فَإِذَا قُتِلَتِ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ غَضِبَ عَلَيْهِمْ مَنْ

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۱۱۱ - ۱۱۲، باب ۴، فصل ۲، حدیث ۴.

فِي السَّمَاءِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ؛ فَأَتَى النَّاسُ، فَرَفُوهُ
كَمَا تَرَفُّ الْعُرُوسُ إِلَى زَوْجِهَا لَيْلَةَ عُرْسِهَا، وَهُوَ
يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، وَتَخْرُجُ الْأَرْضُ نَبَاتِهَا
وَتَمْطُرُ السَّمَاءُ مَطَرَهَا وَتَنْعَمُ أُمَّتِي فِي وِلَايَتِهِ نِعْمَةً
لَمْ تَنْعَمْهَا قَطُّ»؛^۱

«همانا مهدی عَلَيْهِ السَّلَام قیام نخواهد کرد تا آن زمان که
نفس زکیه کشته شود. وقتی نفس زکیه کشته شد،
هرکس در آسمان و هرکس در زمین است، بر
کشندگان او خشمگین می‌شوند، پس مردم می‌آیند و
شادمانه گرداگردش می‌چرخند چنان که در شب عروسی
شادمانه گرد عروس می‌چرخند. و مهدی عَلَيْهِ السَّلَام زمین را
از عدل و داد پر می‌کند و زمین گیاهانش را می‌رویاند و
آسمان بارانش را سرازیر می‌گرداند و امت من در زمان
ولایت و حکومت او از چنان نعمتی برخوردار می‌شوند
که هرگز در گذشته از آن بهره مند نبوده‌اند».

۳۴- ابوعمر و دانی در کتاب «سنن» خویش از حدیفه نقل کرده است

که گفت: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۱۱۲، باب ۴، فصل ۲، حدیث ۶

«يَلْتَفِتُ الْمَهْدِيُّ وَقَدْ نَزَلَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ كَأَنَّمَا
يَقْطُرُ مِنْ شَعْرِهِ الْمَاءُ. فَيَقُولُ الْمَهْدِيُّ: تَقَدَّمْ! صَلِّ
بِالنَّاسِ! فَيَقُولُ عَيْسَى: إِنَّمَا أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ لَكَ،
فَيُصَلِّي خَلْفَ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِي»؛^۱

«مهدی علیه السلام متوجه می شود که عیسی بن مریم
نازل شده است و چنان است که گویا از موهایش
آب می چکد. مهدی علیه السلام به او می فرماید: بفرما،
پیش برو و با این مردم نماز بگزار. عیسی می گوید:
این نماز برای اقتدای به تو به پا داشته شده. پس
پشت سر مهدی علیه السلام که مردی از فرزندان من است،
نماز می خواند.»

۳۵- طبرانی در کتاب *المعجم الاوسط* و حاکم از امّ سلمه روایت
کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«يُبَايِعُ الرَّجُلُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ عِدَّةَ
أَهْلِ بَدْرٍ، فَيَأْتِيهِ عَصَائِبُ أَهْلِ الْعِرَاقِ
وَأَبْدَالِ أَهْلِ الشَّامِ، فَيَغْزُوهُ جَيْشٌ مِنْ

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۱۶۰، باب ۹، حدیث ۹.

أَهْلِ الشَّامِ حَتَّىٰ انْتَهَوْا بِالْبَيْدَاءِ
خَسِيفَ بِهِمْ»^۱

«عده‌ای به تعداد لشکریان بدر با آن مرد - مهدی علیه السلام -
- بین رکن و مقام کعبه بیعت می‌کنند، پس جمعی از
بزرگان اهل عراق و صالحین اهل شام به یاری او
می‌آیند. پس لشکری از اهل شام با او و یارانش
می‌جنگند، تا به منطقه‌ای به نام بیداء می‌رسند، زمین
آنان را (لشکر شام) را در خود فرو می‌برد».

۳۶- نعیم بن حماد از محمد بن حنفیه نقل کرده است که گفت:
نزد علی علیه السلام بودیم، پس مردی از او درباره مهدی علیه السلام سؤال کرد، آن
حضرت فرمود: هیهات، هیهات! سپس با دستش ^۲ نه عدد شمرد^۲ و
بعد فرمود:

«ذَلِكَ يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، إِذَا قِيلَ لِلرَّجُلِ:
اللَّهُ اللَّهُ! قِيلَ؛ فَيَجْمَعُ اللَّهُ لَهُ قَوْمًا قَرَعًا كَقَرَعِ

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۱۱۷، باب ۴، فصل ۲، حدیث ۱۸.
۲. این نه بار باز و بسته کردن دست یا شمردن نه عدد با دست «عقد بیده تسعاً» چه مفهومی دارد؟
در این باره گفته شده است: حضرت علی علیه السلام به این وسیله خواستند اشاره‌ای داشته باشند به اینکه
تعداد امامان معصوم از نسل حسین علیه السلام نه نفر است که نهمین آنان مهدی علیه السلام است. از این رو، وقتی به
نهمین شماره رسیدند، فرمودند: «ذَلِكَ يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ».

السَّحَابِ يُؤَلَّفُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ، لَا يَسْتَوْحِشُونَ
 عَلَى أَحَدٍ، وَلَا يُفْرَحُونَ بِأَحَدٍ، دَخَلَ فِيهِمْ عَلَى
 عِدَّةِ أَصْحَابِ بَدْرٍ، لَمْ يَسْبِقْهُمْ الْأَوْلُونَ وَلَا
 يُدْرِكُهُمُ الْآخِرُونَ، وَعَلَى عِدَّةِ أَصْحَابِ طَالُوتَ
 الَّذِينَ جَاوَزُوا النَّهَرَ مَعَهُ»^۱

«او در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و در زمانی که
 درباره‌اش گفته شود: خدا را! خدا را! که او کشته شده
 است،^۲ پس خداوند برای او از جای جای زمین گروهی
 را که همچون قطعه‌های ابر پراکنده‌اند، گرد هم
 می‌آورد و بین دل‌هایشان الفت و پیوند ایجاد می‌کند،
 به‌گونه‌ای که از هیچ‌کس نمی‌هراسند و به هیچ‌کس
 شادمان نمی‌شوند. به تعداد اصحاب بدر در این گروه
 وارد می‌شوند، کسانی که پیشینیان بر آنان سبقت

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۱۴۴، باب ۶ حدیث ۸.

۲. عبارت متن کتاب این است: «اللَّهُ اللَّهُ قِيلَ؛ یعنی خدا را! خدا را! گفته شده است»؛ لکن ظاهر این است که عبارت صحیح به این گونه باشد: «اللَّهُ اللَّهُ قُتِلَ؛ یعنی خدا را! خدا را! او کشته شده است». باین‌همه در *کشف‌الاستار* به‌گونه‌ای دیگر آمده است: «إِذَا قَالَ الرَّجُلُ: اللَّهُ تَعَالَى قَتَلَ؛ یعنی مردی گوید که خدا او را کشته است». و افزوده است که: حافظ ابوعبدالله حاکم در کتاب مستدرک خود آن را نقل کرده و گفته است که: این حدیث، بر مبنای بخاری و مسلم صحیح شمرده می‌شود، اگرچه خود آن دو ذکری از آن ندارند.

نگرفته و پسینیان توفیق درک و وصول به آنان را نمی‌یابند و آنان به تعداد اصحاب طالوت‌اند که با او از نهر گذشتند».

۳۷- ابن‌ماجه و طبرانی از عبدالله بن حارث بن جزء زبیدی نقل کرده‌اند، که گفت: رسول خدا ﷺ فرمودند:

«يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَيُوطِئُونَ
لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ»؛^۱

«مردمی از مشرق زمین قیام می‌نمایند و برای سلطنت و حکومت حضرت مهدی عجله الله زمینه‌سازی می‌کنند».

۳۸- ابوغنم کوفی در کتاب الفتن از علی بن ابی طالب ع روایت کرده است که آن بزرگوار فرمود:

«وَيُحَا لِلطَّالِقَانِ! فَإِنَّ اللَّهَ بِهَا كُنُوزًا لَيْسَتْ
مِنْ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ؛ وَلَكِنْ بِهَا رِجَالٌ عَرَفُوا
اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ، وَهُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي
آخِرِ الزَّمَانِ»؛^۲

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۱۴۷، باب ۷، حدیث ۲.

۲. متقی هندی، البرهان، ص ۱۵۰، باب ۷، حدیث ۱۴.

«آه از طالقان - رحمت باد بر طالقان! - خدا را در آن
شهر گنجینه‌هایی است که از طلا و نقره نیستند؛
بلکه در آن مردانی هستند که خدا را به حقیقت
معرفت شناخته‌اند و آنان در آخرالزمان، یاوران
مهدی علیهم‌السلام خواهند بود».

۳۹- ابونعیم از ابوسعید نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

«مِنَّا الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ خَلْفَهُ»^۱

«از نسل ماست آن کسی که عیسی بن مریم پشت سر
او نماز می‌خواند».

۴۰- ابوبکر اسکافی، در کتاب **فوائد الاخبار** از جابر بن عبدالله نقل

کرده است که گفت: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند:

«مَنْ كَذَبَ بِالذَّجَالِ فَقَدْ كَفَرَ، وَمَنْ كَذَبَ بِالْمُهَدِيِّ
فَقَدْ كَفَرَ»^۲

«کسی که دجال را تکذیب کند کافر شده، و کسی که
مهدی علیهم‌السلام را تکذیب کند کافر شده است».

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۱۵۸، باب ۹، حدیث ۱.

۲. متقی هندی، البرهان، ص ۱۷۰، باب ۱۲، حدیث ۲.

خدای تعالی را سپاس می‌گوییم که مرا به نقل این چهل حدیث از بین روایات وارد شده درباره حضرت مهدی علیه السلام شرافت و توفیق بخشید.

در این باره، هر کس خواستار احادیثی بیشتر و بحثی گسترده‌تر است، می‌تواند در کتاب‌های «مسانید» و «جوامع» و کتاب‌های مبسوطی چون *بحار الانوار* مجلسی و *العوالم* بحرانی اصفهانی و *کمال‌الدین* شیخ صدوق و *الغیبه* شیخ طوسی و *کفایة الاثر* خزاز قمی و کتاب *ما منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام* به بررسی و تحقیق بپردازد. الحمد لله رب العالمین

۱۲ رجب‌الخیر ۱۴۰۱ ق.

قم مقدسه

لطف‌الله صافی گلپایگانی

کتاب نامہ

۱. قرآن کریم.
۲. الاختصاص، مفید، محمد بن محمد (م. ۴۱۳ق.)، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۳. البرهان فی علامات مہدی آخر الزمان، متقی ہندی، علی (م. ۹۷۵ق.)، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مطبعة الخيام، ۱۳۹۹ق.
۴. الخصال، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق.)، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۵. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار عليه السلام، مجلسی، محمدباقر (م. ۱۱۱۱ق.)، تحقیق محمدباقر بہبودی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۶. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق.)، تحقیق سید محمد مہدی موسوی خرسان، قم، الشریف الرضی، ۱۳۶۸ش.

آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الوارف

در یک نگاه

ردیف	نام کتاب	زبان	ترجمه
قرآن و تفسیر			
۱	تفسیر آیه فطرت	فارسی	—
۲	القرآن مصون عن التحریف	عربی	—
۳	تفسیر آیه التطهیر	عربی	—
۴	تفسیر آیه الانذار	عربی	—
حدیث			
۵	منتخب الاثر در ۳ جلد	عربی	اردو/انگلیسی
—	غیبة المنتظر	عربی	—
۶	قبس من مناقب امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small> (مئة و عشر حدیث من کتب عامه)	عربی	فارسی
—	پرتوی از فضائل امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small> در حدیث	—	فارسی
۷	احادیث الائمة الاتی عشر، اسنادها و الفاظها	عربی	—
۸	احادیث الفضائل	عربی	—

ردیف	نام کتاب	زبان	ترجمه
فقه			
۹	توضیح المسائل	فارسی	—
—	منتخب الاحکام	فارسی	—
۱۰	احکام نوجوانان	فارسی	انگلیسی
۱۱	جامع الاحکام در ۲ جلد	فارسی	—
۱۲	استفتائات قضایی	فارسی	—
۱۳	استفتائات پزشکی	فارسی	—
۱۴	مناسک حج	فارسی	عربی
۱۵	مناسک عمره مفرده	فارسی	عربی
۱۶	هزار سؤال پیرامون حج	فارسی	—
۱۷	پاسخ کوتاه به ۳۰۰ پرسش در ۲ جلد	فارسی	آذری
۱۸	احکام خمس	فارسی	—
۱۹	اعتبار قصد قربت در وقف	فارسی	—
۲۰	رساله در احکام ثانویه	فارسی	—
۲۱	فقه الحج در ۴ جلد	عربی	—
۲۲	هدایة العباد در ۲ جلد	عربی	—
۲۳	هدایة السائل	عربی	—
۲۴	حواشی علی العروة الوثقی	عربی	—
۲۵	القول الفاخر فی صلاة المسافر	عربی	—
۲۶	فقه الخمس	عربی	—
۲۷	أوقات الصلوة	عربی	—
۲۸	التغزیر (احکامه و ملحقاته)	عربی	—
۲۹	ضرورة وجود الحكومة	عربی	فارسی
۳۰	رسالة فی معاملات المستحدثة	عربی	—

ردیف	نام کتاب	زبان	ترجمه
۳۱	التداعی فی مال من دون بیته و لا ید	عربی	—
۳۲	رسالة فی المال المعین المشتبه ملکته	عربی	—
۳۳	حکم نکول المدعی علیه عن الیمین	عربی	—
۳۴	ارث الزوجة	عربی	—
۳۵	مع الشیخ جادالحق فی ارث العصبه	عربی	—
۳۶	حول دیات ظریف ابن ناصح	عربی	—
۳۷	بحث حول الاستسقام بالازلام (مشروعية الاستخارة)	عربی	—
—	الرسائل الخمس	عربی	—
۳۸	الشعائر الحسینیة	عربی	—
—	آنچه هر مسلمان باید بداند	—	آذری
اصول فقه			
۳۹	بیان الاصول در ۳ جلد	عربی	—
۴۰	رسالة فی الشهرة	عربی	—
۴۱	رسالة فی حکم الاقل و الاکثر فی الشبهة الحکمیة	عربی	—
۴۲	رسالة فی الشروط	عربی	—
عقاید و کلام			
۴۳	عرض دین	فارسی	—
۴۴	به سوی آفریدگار	فارسی	—
۴۵	الهیات در نهج البلاغه	فارسی	—
۴۶	معارف دین در ۳ جلد	فارسی	—
۴۷	پیرامون روز تاریخی غدیر	فارسی	—

ردیف	نام کتاب	زبان	ترجمه
۴۸	ندای اسلام از اروپا	فارسی	—
۴۹	نگرشی بر فلسفه و عرفان	فارسی	—
۵۰	نیایش در عرفات	فارسی	—
۵۱	سفرنامه حج	فارسی	—
۵۲	شهید آگاه	فارسی	—
—	امامت و مهدویت	فارسی	—
۵۳	نظام امامت و رهبری/۱	فارسی	—
۵۴	تجلی توحید در نظام امامت/۲	فارسی	عربی
۵۵	ولایت تکوینی و ولایت تشریحی/۳	فارسی	—
۵۶	پیرامون معرفت امام/۴	فارسی	—
۵۷	معرفت حجت خدا/۵	فارسی	—
۵۸	وابستگی جهان به امام زمان/۶	فارسی	—
۵۹	باورداشت مهدویت/۷	فارسی	عربی
۶۰	اصالت مهدویت/۸	فارسی	—
۶۱	نوید امن و امان/۹	فارسی	آذری
۶۲	عقیده نجات بخش/۱۰	فارسی	—
۶۳	انتظار، عامل مقاومت و حرکت/۱۱	فارسی	—
۶۴	به سوی دولت کریمه/۱۲	فارسی	—
۶۵	پاسخ به ده پرسش/۱۳	فارسی	—
۶۶	گفتمان مهدویت/۱۴	فارسی	انگلیسی
۶۷	فروغ ولایت در دعای ندبه/۱۵	فارسی	عربی
۶۸	پیام‌های مهدوی/۱۶	فارسی	—
۶۹	توضیحات پیرامون کتاب عقیده مهدویت در تشیح امامیه	فارسی	انگلیسی

ترجمه	زبان	نام كتاب	ردیف
—	فارسی	گفتمان عاشورایی	۷۰
—	فارسی	مقالات کلامی	۷۱
—	فارسی	صراط مستقیم	۷۲
—	عربی	الی هدی کتاب الله	۷۳
—	عربی	ایران تسمع فتجیب	۷۴
—	عربی	رسالة حول عصمة الانبياء و الائمة	۷۵
—	عربی	تعليقات على رسالة الجبر و القدر	۷۶
—	عربی	لمحات فى الكتاب و الحديث و المذهب	—
—	عربی	صوت الحق و دعوة الصدق	۷۷
—	عربی	رد اكدوبة خطبة الامام على <small>عليه السلام</small> ، على الزهراء <small>عليها السلام</small>	۷۸
اردو/ فرانسه	عربی	مع الخطيب فى خطوطه العريضة	۷۹
—	عربی	رسالة فى البداء	۸۰
—	عربی	جلاء البصر لمن يتولى الائمة الاثني عشر <small>عليهم السلام</small>	۸۱
—	عربی	حديث افتراق المسلمين على ثلاث و سبعين فرقة	۸۲
—	عربی	من لهذا العالم؟	۸۳
—	عربی	بين العلمين ، الشيخ الصدوق و الشيخ المفيد	۸۴
—	فارسی	داورى ميان شيخ صدوق و شيخ مفيد	
—	عربی	مقدمات مفصلة على «مقتضب الاثر» و «مكيال المكارم» و «منتقى الجمال»	۸۵
—	عربی	امان الامّة من الضلال و الاختلاف	۸۶

ردیف	نام کتاب	زبان	ترجمه
۸۷	البكاء على الامام الحسين <small>عليه السلام</small>	عربی	—
۸۸	النقود اللطيفة على الكتاب المسمى بالاخبار الدخيلة	عربی	—
۸۹	پیام غدیر	فارسی	—
تربیتی			
۹۰	ماه مبارک رمضان، عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق	فارسی	—
۹۱	راه اصلاح (امر به معروف و نهی از منکر)	فارسی	—
۹۲	با جوانان	فارسی	—
تاریخ			
۹۳	سیرحوزه‌های علمی شیعه	فارسی	—
۹۴	رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی)	فارسی	—
سیره			
۹۵	پرتوی از عظمت امام حسین <small>عليه السلام</small>	فارسی	—
—	آینه جمال	فارسی	—
—	از نگاه آفتاب	فارسی	—
—	اشک و عبرت	فارسی	—
تراجم			
۹۶	زندگانی آیت‌الله آخوند ملا محمد جواد صافی گلپایگانی	فارسی	—
۹۷	زندگانی جابر بن حیان	فارسی	—
۹۸	زندگانی بوداسف	فارسی	—
۹۹	فخر دوران	فارسی	—

ردیف	نام کتاب	زبان	ترجمه
شعر			
۱۰۰	دیوان اشعار	فارسی	—
۱۰۱	بزم حضور	فارسی	—
۱۰۲	آفتاب مشرقین	فارسی	—
۱۰۳	صحیفه المؤمن	فارسی	—
۱۰۴	سبأ المصطفی	فارسی	—
۱۰۵	در آرزوی وصال	فارسی	—
مقاله‌ها و خطابه‌ها			
۱۰۶	حدیث بیداری (مجموعه پیام‌ها)	فارسی	—
۱۰۷	شب‌پرگان و آفتاب	فارسی	—
—	شب عاشورا	فارسی	—
—	صبح عاشورا	فارسی	—
۱۰۸	با عاشوراییان	فارسی	—
۱۰۹	رسالت عاشورایی	فارسی	—